

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۶

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۴

شخصیت‌شناسی امام مهدی علیه السلام در تفاسیر اهل سنت

مصطفی ورمزیار*

چکیده

این نوشتار به بررسی دیدگاه‌های مفسران اهل سنت در مباحث مربوط به شخصیت‌شناسی امام مهدی علیه السلام می‌پردازد؛ آیا امام مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است یا عباس عموی پیامبر؟ حسنی است یا حسینی؟ متولد شده است یا خیر؟ نام، لقب، کنیه، مشخصات ظاهری و ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت از دیگر مسائلی است که به آن پرداخته می‌شود. همچنین شبهه «لا مهدی الا عیسی بن مریم» مطرح می‌گردد و از جهت سندی و دلالتی پاسخ داده خواهد شد. مشهور بین مفسران عامه این است که نام امام مهدی علیه السلام «محمد»، نام پدرش عبدالله، کنیه ایشان ابوالقاسم و از نسل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است و روایاتی که ایشان را از نسل عباس بن عبدالمطلب می‌دانند، از جهت سندی مردودند و بر فرض صحت، توان معارضه با سایر روایات را ندارند. تفاسیر اهل سنت با تعبیری گوناگون به مقامات معنوی، ویژگی‌های اخلاقی و جایگاه علمی و سیاسی امام مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند؛ ریشه شبهه یکی بودن امام مهدی و عیسی بن مریم علیه السلام یک روایت است که از جهت سندی مردود به شمار می‌آید و از جهت دلالت نیز با روایات متواتر سازگاری ندارد و ذیل روایت نیز با روح حاکم بر شریعت در تعارض است. اگر چه

* کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن و پژوهشگر مباحث مهدویت (mova277@yahoo.com).

اکثریت مفسران عامه هماهنگ با مشهور اهل سنت، به تولد امام مهدی علیه السلام اشاره‌ای نکرده‌اند یا در مقابل آن موضع‌گیری نموده‌اند، اما باز از لابه‌لای تفاسیر آن‌ها می‌توان برای بحث تولد و حیات فعلی امام مهدی علیه السلام مؤیداتی یافت.

واژگان کلیدی

مهدویت، تفاسیر عامه، تولد امام مهدی علیه السلام، نسب امام مهدی علیه السلام، مقامات امام مهدی علیه السلام، لا مهدی الا عیسی.

مقدمه

تفاسیر مذاهب اسلامی بیان‌گر فهم آنان از آیات قرآن و در بردارنده گزیده‌ای از عقاید، احکام و اصول اخلاقی آن مذهب است و واکاوی این تفاسیر با رویکرد مهدوی، در فهمیدن عقاید آن‌ها نسبت به این آموزه، نقشی مهم دارد. نوشتار پیش رو بر آن است که عقیده مفسران اهل سنت، درباره ویژگی‌های شخصیتی امام مهدی علیه السلام را بررسی کند.

آشنایی با مفاهیم و واژه‌ها

امام

در فرهنگ اهل سنت، لفظ «امام» به معنای پیشوا و صاحب‌نام است. به سران مذاهب و صاحبان کتب مهم حدیثی و تفسیری نیز امام می‌گویند. به کار بردن لفظ امام درباره مهدی موعود علیه السلام توسط اهل سنت، شاید به سبب مقام پیشوایی امت در آخر الزمان یا روایات امامت ایشان بر عیسی بن مریم علیها السلام در نماز جماعت باشد (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۴، ۱۴۳؛ نیشابوی، بی‌تا: ج ۱، ۹۴، ۲، ج ۲، ۳۳۶؛ ابن حنبل، بی‌تا: ج ۲، ۲۷۲)^۱ و مراد آنان از این اصطلاح، امامت مورد نظر شیعه نیست.

مهدی

«مهدی» - در لغت، اسم مفعول از ریشه هدی به معنای هدایت شده - به کسی گفته می‌شود که خداوند او را به سوی حق هدایت کرده است (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۵، ۲۵۴؛ ابن منظور،

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم.

۱۴۰۵: ج ۱۵، ۳۵۴؛ طریحی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۴۱۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ۳۳۲).^۱ این واژه از القابی است که اهل سنت درباره حضرت مهدی علیه السلام به کار می‌برند. مشهور شدن این لقب در بین اهل سنت به سبب روایات فراوانی است که در آن‌ها از حضرت به این نام یاد شده است (ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ۸۴، ج ۳، ۳۷؛ ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۵۷، ۵۵۸).

تفسیر

مراد از تفاسیر اهل سنت، تفاسیر ترتیبی آنان است؛ خواه گرایش نقلی داشته باشند (تفاسیر قرآنی و روایی)، خواه عقلی و اجتهادی. بنابر این، تفاسیر موضوعی، تفسیر تک سوره‌ای و کتاب‌های علوم قرآن آنان از مقصود این نوشتار خارج‌اند.

اهل سنت

مراد از اهل سنت در این پژوهش، مذاهب چهارگانه آنان و به بیان دیگر، هر فرقه و مذهبی از مذاهب اسلامی است که خلفای اربعه را به خلافت پذیرفته است و حضرت علی علیه السلام را خلیفه بلافصل پیامبر نداند. بنابر این تعریف، خوارج و نواصب و همچنین فرقه‌های مختلف شیعی از دایره این تحقیق خارج‌اند.

نسب امام مهدی علیه السلام

آیا امام مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است یا عباس بن عبد المطلب؟

بیان دیدگاه‌ها

درباره این که امام مهدی علیه السلام از نسل کیست، در بین مفسران اهل سنت دو دیدگاه وجود دارد: نخست آن که از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که این دیدگاه، هم از جهت روایی مشهور است و هم تقریباً بین اهل سنت اجماعی است؛ اما دیدگاه دوم این است که آن حضرت از نسل عباس - عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - است و برای این دیدگاه نیز روایاتی نقل کرده‌اند.

بیان روایات موجود

برای روشن شدن مطلب، ابتدا روایات بحث مطرح می‌شود، سپس به بیان دیدگاه

۱. المهدی الذی قد هداه الله إلى الحق وقد استعمل فی الأسماء حتی صار کالأسماء الغالبه و به سمی المهدی علیه السلام الذی بشر به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أنه یجئ فی آخر الزمان.

مفسران، پرداخته خواهد شد.

روایات درباره نسب امام مهدی علیه السلام دو دسته‌اند و روایات نبوی‌النسب بودن ایشان، مشهور است که با تعبیر مختلف این مطلب را بیان می‌کنند:

تعبیری مانند رجل منی، رجلاً منی، رجلاً منّا، منا المهدی علیه السلام، رجل من اهل بیته، رجلاً من عترتی، المهدی منی، المهدی منا، المهدی من عترتی والمهدی من اهل بیته (سیوطی، بی‌تا: ج ۵، ۲۴۱، ج ۶، ۵۷ - ۵۸؛ رازی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۷؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۳۱۲-۳۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۸۲؛ نسفی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۵۶؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۴، ۳۴۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۳۹۶) که در روایات متعدد وارد شده، همگی گویای از خاندان نبوت بودن مهدی علیه السلام است و اگرچه تواتر لفظی محقق نشده باشد، اما به صورت تواتر معنوی، مدّعی ما را ثابت خواهد کرد.

همچنین تمامی روایاتی که امام مهدی علیه السلام را فاطمی، حسنی یا حسینی می‌داند، برای تقویت این دیدگاه قابل استفاده است.

درباره این‌که امام مهدی علیه السلام از نسل عباس بن عبد المطلب باشد، نیز روایاتی وجود دارد:

۱. از ابن عباس نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عباس فرمود:

ای عمو آیا بشارت ندهم تو را، از نسل تو اصفیاء و خلفاء هستند و مهدی آخر الزمان علیه السلام، از توست ... خداوند به وسیله ما این امر را آغاز کرد و با ذریه تو به آن پایان می‌دهد.^۱ (مراغی، بی‌تا: ج ۳، جزء ۹، ۱۳۳؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۸)

۲. ابن عساکر با واسطه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که حضرت سه بار فرمود:

خدایا! عباس و فرزندان عباس را یاری کن. [آن‌گاه فرمود:] ای عمو! آیا نمی‌دانی که مهدی علیه السلام از فرزندان توست؛ توفیق داده شده و مورد رضایت است؟^۲ (مراغی، بی‌تا: ج ۳، جزء ۹، ۱۳۳؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۸)

۳. حدیث رایات سود که در آن آمده است:

هر موقع ایشان را دیدید با آن‌ها بیعت کنید، اگرچه مستلزم کشیدن خود بر روی برف

۱. فقد روی الرافعی عن ابن عباس أن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال للعباس: ألا بشرک یا عم؟ إن من ذریبتک الأصفیاء و من عترتک الخلفاء و منک المهدی فی آخر الزمان، به ینشر الله الهدی و یطفئ نیران الضلالة، إن الله فتح بنا هذا الأمر و بذریبتک یتختم.

۲. من حدیث ابن عساکر عنه مرفوعاً: اللهم انصر العباس و ولد العباس - ثلاثاً - یا عم! أما علمت أن المهدی من ولدک موثقاً مرضیاً؟

باشد. پس او خلیفه خدا مهدی (عج) است.^۱ (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۹، ۴۱۹-۴۲۱)

همچنین گفته شده که منظور از پرچم‌های سیاه، حکومت بنی عباس است (همو).
دسته‌ای از روایات نیز با هر دو نظریه قابل جمع است؛ مانند:

۱. پیامبر (ص) فرموده است:

ما فرزندان عبدالمطلب، آقایان اهل بهشتیم؛ من و حمزه و جعفر و علی و حسن و حسین و مهدی (عج).^۲ (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۸، ۳۱۲)

در این روایت تصریح شده است که مهدی (عج) از فرزندان عبدالمطلب (ع) است که هم جد گرامی پیامبر اسلام (ص) به شمار می‌رود و هم پدر عباس و با هر دو دیدگاه قابل جمع است.
۲. روایتی که می‌گوید: «یخرج رجل من امتی» (قمی نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۴۴) نیز با هر دو دیدگاه قابل جمع است؛ زیرا در هر دو صورت مهدی (عج) از امت پیامبر (ص) خواهد بود.

نظریه مفسران درباره نبوی یا عباسی بودن امام مهدی (عج)

اشتهار نبوی‌النسب بودن امام مهدی (عج)

نبوی بودن امام مهدی (عج) شهرت روایی دارد و این مهم در تفاسیر اهل سنت تذکر داده شده است. قرطبی در تفسیر خود می‌گوید: «اخبار صحیح‌ه به صورت متواتر بر نبوی بودن امام مهدی (عج) دلالت دارد» (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۱۲۱). وی در جای دیگر گفته است: «سند این اخبار صحیح‌تر است» (همو: ج ۸، ۱۲۲).

المنا نیز نبوی‌النسب بودن امام مهدی (عج) را برای خاص و عام، معلوم می‌داند (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۶، ۴۷).

در روح البیان در ضمن بحث از آیه ۳۳ سوره توبه، مهدی (عج) امام و از عترت پیامبر (ص) معرفی شده است (حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۳، ۴۱۶).

استدلال مفسران

مفسران علاوه بر تأیید روایات نبوی بودن امام مهدی (عج) برای اثبات این نظریه می‌گویند

۱. حدیث ثوبان المرفوع فی سنن ابن ماجه... ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق فیهقتلونهم قتلا لم یقتله قوم - ثم ذکر شیئا لأحفظه - فإذا رأیتموه فبایعوه و لو حبوا علی الثلج فإنه خلیفة الله المهدی.
۲. عن أنس بن مالك، قال: قال رسول الله (ص): نحن ولد عبد المطلب سادة أهل الجنة، أنا و حمزة و جعفر و علی و الحسن و الحسين و المهدی.

ولادت معنوی - که همان وصایت و خلافت است - اکثر اوقات، با ولادت ظاهری و صوری همراه است. از این رو انبیا در ظاهر هم از یک نسل هستند و همین دیدگاه این قول را تقویت می‌کند که مهدی علیه السلام از نسل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است، چون مهدی علیه السلام خاتم الاوصیاء است. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۱۲۵؛ حقی بروسوی، بی تا: ج ۲، ۲۶)

روایات عباسی بودن نسب امام مهدی علیه السلام، ساخته بنی عباس

از سوی دیگر تفسیر المنار احادیث عباسی بودن نسب امام مهدی علیه السلام را ساخته بنی عباس دانسته (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۹-۴۲۱)، در جایی دیگر می‌گوید:

ابن حجر رجال حدیث «المهدی من ولدک» را توثیق کرده و تصریح می‌کند که مراد از مهدی، سومین خلیفه عباسی است. (همو: ۴۱۸-۴۱۹)

مراغی نیز قبل از نقل این روایات، قول به علوی و فاطمی بودن امام مهدی علیه السلام را مشهور می‌داند. (مراغی، بی تا، ج ۳، جزء ۹، ۱۳۳)

روایت مخالف

در یک روایت پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به این که مهدی از جمله فرزندان عباس است تصریح می‌فرمایند که این شخص مهدی موعود علیه السلام نیست.^۱ (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۶، ص ۲۹۷)

صرف نظر از این روایت معارض، حتی در صورتی هم که ساختگی بودن این دسته از احادیث را نپذیریم، باز در میدان تعارض با احادیث نبوی بودن امام مهدی علیه السلام ثاب مقابله ندارند؛ زیرا - همان طور که گفته شد - آن روایات در حد تواتر لفظی و دست کم معنوی هستند.

آیا امام مهدی علیه السلام حسنی است یا حسینی؟

تمامی کسانی که می‌گویند امام مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است، اذعان دارند که ایشان از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام است. با این حال، باز کسانی به این مطلب تصریح کرده‌اند (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۰۱، ۴۱۸-۴۱۹)، اما در این که از نسل امام حسن علیه السلام یا امام حسین علیه السلام است، اختلاف وجود دارد و نظریه حسنی بودن امام مهدی علیه السلام بین مفسران اهل سنت مشهور است

۱. «قال سمعت عقبه بن عامر الجهنی یقول رأیت رسول الله صلی الله علیه و آله أخذ بید عمه العباس ثم قال یا عباس إنه لا یکون نبوة إلا کانت بعدها خلافة وسیلی من ولدک فی آخر الزمان سبع عشر منهم السفاح ومنهم المنصور ومنهم المهدی ولیس بمهدی ومنهم الجموح ومنهم العاقب ومنهم الواهن ومن ولدک وویل لامتی منه کیف یعقرها ویهلکها ویذهب بأموالها هو وأتباعه علی غیر دین الاسلام فإذا بویع لصبیبه فعند الثامن عشر انقطاع دولتهم وخروج أهل الغرب من بیوتهم»

(همو) و این به دلیل روایتی است که از حضرت علی (ع) نقل شده که با نگاه به فرزندش امام حسن (ع) فرمود:

این پسرم آقاست، همان‌گونه که پیامبر (ص) فرمود، و به زودی از نسل او مردی به وجود می‌آید که هم‌نام پیامبر شماسست و در چهره، شبیه اوست، اما در رفتار شبیه او نیست.^۱

اصل این روایت در *سنن ابی داود*^۲ (سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۱) است و سیوطی (بی‌تا، ج ۶، ۵۸)، *مظهري* (۱۴۱۲: ج ۳، ۳۱۲) و *روح البیان* (حقى بروسوى، بی‌تا: ج ۴، ۳۴۶)^۳ نیز آن را از همین منبع نقل کرده‌اند.

در *تفسیر المنار* نیز پس از مشهور دانستن حسنی بودن امام مهدی (ع) آمده است:

در بعضی از روایات وارد شده که از فرزندان [امام حسین (ع)] است و این با قول شیعه در این باره سازگاری دارد.^۴ (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۸-۴۱۹)

جمع بین روایات

تفسیر المنار از اهل حدیث یک وجه جمع برای روایات مختلف در نسب امام مهدی (ع) نقل می‌کند که هم عباس (ع)، هم حسن (ع) و هم حسین (ع) در ولادت مهدی (ع) نقش دارند و ایشان از نسل هر سه است؛ بعضی از جانب مادر و بعضی از جهت پدر؛ سپس این وجه جمع را به دو دلیل مردود می‌داند:

۱. این راه جمع با الفاظ احادیث سازگاری ندارد؛^۵

۲. در روایات از مادر مهدی (ع) صحبتی نشده است (همو: ۴۱۹).^۶

۱. شاید منظور این است که با کفار و دشمنان مدارا نخواهد کرد.

۲. عن شعيب بن خالد، عن أبي إسحاق، قال: قال علي (ع) ونظر إلى ابنه الحسن فقال: إن ابني هذا سيد كما سماه النبي (ص) وسيخرج من صلبه رجل يسمي باسم نبيكم يشبهه في الخلق ولا يشبهه في الخلق، ثم ذكر قصة: يملأ الأرض عدلاً.

۳. و روی أبو داود فی سننه انه من ولد الحسن و كان سر ترك الحسن الخلافة لله تعالى شفقة على الأمة فجعل الله القائم بالخلافة الحق عند شدة الحاجة إليها من ولده ليملاً الأرض عدلاً.

۴. والمشهور فی نسبه انه علوی فاطمی من ولد الحسن و فی بعض الروایات ولد الحسين و هو یوافق قول الشيعة الامامية.

۵. شاید نظر ایشان درباره پذیرفتن توجیه نقش عباس در ولادت مهدی (ع) به روایاتی است که پیامبر (ص) به صراحت می‌فرماید: «مهدی (ع) از فرزندان من است» یا «از عترت من و از فرزندان فاطمه (ع) است» و درباره پذیرفتن توجیه نقش امام حسین (ع) در ولادت امام مهدی (ع) به روایتی است که صریحاً اعلان می‌کند از نسل امام حسن (ع) است.

۶. و أهل الرواية يتكلفون الجمع بين هذه الروایات و ما يعارضها باحتمال أن يكون لكل من العباس و الحسن و الحسين فيه ولادة بعضها من جهة الأب و بعضها من جهة الأم، قاله ابن حجر فی القول المختصر و تبعه الشوكاني و غيره

صرف نظر از بحث سندی و اعتبارسنجی روایات مربوط به حسنی بودن امام مهدی علیه السلام، این وجه جمع در روایات حسنی بودن و حسینی بودن امام مهدی علیه السلام پذیرفتنی است و قرآنی برای پذیرش آن وجود دارد:

۱. با روایات نبوی النسب بودن و از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام بودن امام مهدی علیه السلام سازگاری دارد.

۲. ازدواج میان فرزندان و نسل امام حسن علیه السلام و نسل امام حسین علیه السلام زیاد واقع شده است. اما درباره عباس این وجه جمع در تقابل جدی با تعابیر صریح در روایات مانند «بذریتك یختم»^۱ (مراغی، بی تا: ج ۳، جزء ۹، ۱۳۳؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۸) در روایات عباسی و تعابیر «من ولدی»، «من عترتی» و ... (سیوطی، بی تا: ج ۵، ۲۴۱، ج ۶، ۵۷ - ۵۸؛ رازی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۷؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۳۱۲-۳۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۸۲؛ نسفی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۵۶؛ حقی بروسوی، بی تا: ج ۴، ۳۴۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۳۹۶) در روایات نبوی است.

نام پدر و مادر امام مهدی علیه السلام چیست؟

درباره نام پدر امام مهدی علیه السلام در تفاسیر اهل سنت روایاتی با مضمون مشترک از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که می فرماید: «اسم ابیه اسم ابی.» بر اساس این نقل، به عقیده اهل سنت، نام پدر امام زمان علیه السلام عبدالله است (سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۸؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۳۱۲).^۲ ابن کثیر نیز در تفسیر خود همین مطلب را از مجموع روایات استفاده کرده است (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴).

در المنار نیز می خوانیم:

مشهورترین روایات درباره نام و نام پدر امام مهدی علیه السلام، نزد اهل سنت محمد بن عبدالله و یا احمد بن عبدالله است. (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۸)

مراغی هم می گوید:

مشهورترین روایات دلالت می کند که نام پدر امام مهدی علیه السلام عبدالله است. (مراغی، بی تا:

ولكن ألقاظ الأحاديث لا تتفق مع هذا الجمع، على أنه لم يرد في أم المهدي شيء من هذه الروايات على كثرتها.
۱. فقد روى الرافعي عن ابن عباس أن النبي صلی الله علیه و آله و سلم قال للعباس: ألا أبشرك يا عم؟ إن من ذريتك الأصفياء ومن عترتك الخلفاء ومنك المهدي في آخر الزمان، به ينشر الله الهدى و يطفى نيران الضلالة، إن الله فتح بنا هذا الأمر و بذريتك يختم.

۲. يواطئ اسمه اسمي و اسم ابیه اسم ابی.

در این روایات، پیامبر ﷺ تصریحی به نام عبدالله نفرموده و تنها از ایشان عبارت «اسم ابیه اسم ابی» و «کاسم ابی» نقل شده که با توجه به مشابهت زیاد بین دو واژه «ابی» و «ابنی» و احتمال اشتباه در نسخه برداری، ادعای تصحیف و اشتباه راویان چندان بعید نیست و اگر «ابنی» باشد، با اعتقاد شیعه که نام مبارک پدر امام مهدی ﷺ حسن است، هماهنگی دارد.

اما درباره نام مادر گرامی امام مهدی ﷺ در تفاسیر اهل سنت و طبق گفته المنار در کل روایات مهدوی اهل سنت، مطلبی نیامده است (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۹).

ویژگی های ظاهری

ویژگی های شناسه ای (نام، کنیه و لقب)

۱. درباره نام امام مهدی ﷺ، قول مشهور بین فریقین این است که هم نام پیامبر گرامی اسلام «محمد» ﷺ است (مراغی، بی تا: ج ۳، جزء ۹، ۱۳۳؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۸) و روایات «اسمه اسمی»، «یواطئ اسمه اسم النبی ﷺ»، «یسمی باسم نبیکم»، «اسمه یطابق اسم رسول الله ﷺ»، در تفاسیر اهل سنت بسیار وارد شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴، ج ۳، ۳۱۲؛ سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۸؛ رازی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۷؛ مراغی، بی تا: ج ۳، جزء ۹، ۱۳۳؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۳۱۲؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۷، ۳۸۱۳؛ قمی نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۴۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۳۹۶؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۹، ۴۱۸).

۲. درباره کنیه آن حضرت هم در تفاسیر اهل سنت به دو روایت اشاره شده است: «اسمه اسمی و کنیه کنیتی» و حدیث «اسمه یطابق اسم رسول الله و کنیه کنیه ﷺ» (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۶، ۷۲؛ رازی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۷؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۷، ۳۸۱۳؛ قمی نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۴۴). بنابراین دو روایت، کنیه امام مهدی ﷺ همان کنیه معروف پیامبر ﷺ یعنی ابوالقاسم است.

۳. درباره لقب امام مهدی ﷺ بعضی از القاب ایشان مانند مهدی و قائم در روایات تفسیری اهل سنت از شهرت بیشتری برخوردارند. برای اثبات این مطلب تمامی روایاتی که در آن ها از مهدی و قائم نام برده شده است، قابل استناد خواهند بود (ابن عربی، ۱۴۲۱: ج ۳، ۲۰؛ قنوجی، ۱۴۲۰: ج ۲، ۵۹۹).

ویژگی‌های جسمی

در برخی تفاسیر، روایاتی درباره مشخصات چهره و ویژگی‌های جسمی امام مهدی علیه السلام آمده است.

در *الدر المنثور و التفسیر الحدیث* نقل شده که امام مهدی علیه السلام چهره‌ای گشاده و نورانی و بینی کشیده دارد (سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۷؛ دروزة، ۱۴۲۱: ج ۵، ۲۹۸).^۱

در تفسیر *روح البیان* از *سنن ابی داوود* نقل می‌کند که امام مهدی علیه السلام بیست یا سی سال عمر می‌کند؛ صورت ایشان مانند ستاره جواهرنشان است؛ برگونه راستش خالی سیاه دارد و محل تولد ایشان مدینه است (حقی بروسوی، بی تا: ج ۴، ۳۴۶).^۲

در تفاسیر *روح المعانی* و *بیان المعانی* پس از بیان این که در زبان حضرت موسی گره و گرفتگی وجود داشته است می‌افزاید که این مسئله با شأن رسالت و با مقامات ایشان منافاتی ندارد، همان طور که می‌گویند در زبان مهدی علیه السلام نیز گرفتگی است، در صورتی که روایات بسیاری در شأن و منزلت مهدی علیه السلام وارد شده است (ملا حویش، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۹۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۴۹۷).^۳

درباره ویژگی‌های جسمی امام مهدی علیه السلام همین اندازه در تفاسیر اشاره شده است. درباره وجود گره و گرفتگی در زبان مهدی باید گفته شود که اولین کسی که این روایت را نقل کرده ابوالفرج اصفهانی در *مقاتل الطالبیین* است که با تعبیر «فی لسانه رتة» به این مطلب اشاره دارد (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۶۳ - ۱۶۴).^۴ این روایت به ابوهیریه منسوب شده و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نشده است و بستوی نیز آن را جعلی می‌داند (بستوی، ۱۴۲۰: ۱۵۰). البته انگیزه جعل نیز در آن موجود است؛ چه بسا جاعل این روایت، قصد داشته مهدی بودن شخصی را به این دلیل که این عیب در او هست یا نیست، اثبات یا انکار کند.

۱. قال رسول الله ﷺ: لا تقوم الساعة حتى يملك الأرض رجل من أهل بيتي أجلي أقنى و لفظ أبي داود المهدى ﷺ منى أجلي الجبهة أقنى الأنف.

۲. عن النبي ﷺ قال: المهدى منى أجلي الجبهة أقنى الأنف.

۳. و روی أبو داود فی سننه ... عمره عشرون سنة و قیل أربعون و وجهه كوكب درى على خده الايمن خال اسود و مولده بالمدينة المنورة.

۴. و ثقل ما فى اللسان لا يخفف قدر الإنسان و قد ذكر أن فى لسان المهدى المنتظر - رضی الله تعالى - عنه حبة و ربما يتعذر عليه الكلام حتى يضرب بيده اليمنى فخذ رجله اليسرى و قد بلغك ما ورد فى فضله.

۵. أبا صالح حدثه قبل ذلك بعشرين سنة، أن أبا هريرة أخبره: أن المهدى اسمه محمد بن عبد الله، فى لسانه رتة.

در *الدر المنثور و تفسیر المظهری*، روایتی نقل شده که دربارهٔ اخلاق امام مهدی (عج)، چهره و ویژگی‌های جسمی ایشان سخن گفته و به دو گونه قابل ترجمه است:

۱. امام علی (ع) به فرزند گرامی‌اش امام حسن (ع) نگریست و فرمود:

این فرزندم آقاست؛ همان گونه که رسول الله (ص) او را آقا نامیده. و به زودی از صلب او مردی بیرون می‌آید که هم‌نام پیامبر شماست؛ در اخلاق شبیه ایشان است؛ اما از جهت جسمی شباهتی به ایشان ندارد.

۲. یا این‌گونه ترجمه شود که در ویژگی‌های جسمی شبیه پیامبر (ص) است، ولی در ویژگی‌های اخلاقی به پیامبر (ص) شباهتی ندارد (سیوطی، بی‌تا: ج ۶، ۵۸؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۳۱۲).^۱

در عبارت حدیث، جمله «یشبهه فی الخلق و لا یشبهه فی الخلق» آمده است؛ معنای اول بنابر این است که «خلق» اول به ضمه - به معنای اخلاق - و خلق دوم به فتحه - به معنای خلقت و خصوصیات جسمی - قرائت شود و معنای دوم بنابر این است که «خلق» اول را به فتحه و «خلق» دوم را به ضمه بخوانیم.

این روایت، بنابر معنای دوم، ویژگی‌های جسمی امام مهدی (عج) را شبیه پیامبر (ص) می‌داند؛ بنابر این معنا، تمامی روایاتی که در آن‌ها ویژگی‌های جسمی پیامبر (ص) بیان شده، برای شناخت ویژگی‌های ظاهری امام مهدی (عج) نیز قابل استفاده خواهد بود.

مقامات سیاسی، معنوی و اخلاقی

در تفاسیر اهل سنت در باب فضایل، اخلاق و سیره امام مهدی (عج) در ضمن تفسیر آیات مهدوی یا آخر الزمانی روایات و مطالبی بیان شده است. بعضی از آنان، در بیان علو شأن امام مهدی (عج) تا آن جا پیش رفته‌اند که نوشتن فضایل امام مهدی (عج) را از توان قلم بیرون می‌دانند (ملا حویش، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۹۷).^۲

در جای دیگر آورده‌اند مراد از «حَسَنٌ أَوْلَیْكَ رَفِیْقاً» در آیه «وَمَنْ يُطِغِ اللَّهُ وَالرَّسُولَ فَأَوْلَیْكَ مَعَ الَّذِیْنَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّیْنَ وَ الصَّادِقِیْنَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِیْنَ وَ حَسَنٌ أَوْلَیْكَ رَفِیْقاً» (نساء: ۶۹) امام مهدی (عج) است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱،

۱. قال علی و نظر إلى ابنه الحسن فقال ان ابني هذا سيد كما سماه رسول الله (ص) و سيخرج من صلبه رجل يسمي باسم نبيكم يشبهه في الخلق و لا يشبهه في الخلق يملا الأرض عدلا.
 ۲. و قد جاء في فضله ما لم يحصره القلم.

۱۹۷ - ۱۹۹).^۱

همچنین می‌گویند مراد از سین در ﴿حم * عسق﴾ (شوری: ۱-۲) سناء امام مهدی علیه السلام است (سورآبادی، ۱۳۸۰: ج ۴، ۲۲۳۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۸، ۳۰۳). سناء در لغت به معنای رفعت و علو شأن و مقام (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۲، ۴۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۴، ۴۰۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۹، ۵۴۴) است.

افزون بر این موارد، در تفاسیر اهل سنت به چهار مقام از مقامات امام مهدی علیه السلام - البته با اختصار و حذف موارد مشابه - اشاره شده است:

۱. خلافت و ولایت

از جمله مقاماتی که بین مفسران، برای امام مهدی علیه السلام مطرح است، مقام خلیفة اللّٰهی، خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودن و ولایت ایشان است. خلیفة اللّٰهی و ولی اللّٰهی بالاترین مقامی است که خداوند به آدم علیه السلام و بعضی از فرزندان ایشان عطا کرده که این مهم در بعضی از آیات قرآن منعکس شده است.^۵ بی‌گمان کسی که از جانب خداوند مقام خلیفة اللّٰهی یا جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داراست، همه شئون و اختیارات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دارد. اعطای این چنین مقامی از جانب خداوند به کسی، نه تنها برای وی نسبت به امور همه افراد، اولویت می‌آورد، بلکه گویای فضیلت، کمال، معنویت و لیاقت ایشان است. این مقام درباره امام مهدی علیه السلام با تعبیری مانند خلیفة الله (سیوطی، بی‌تا: ج ۶، ۵۸)،^۶ القائم بالخلافة (حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۴، ۳۴۶)،^۷

۱. ﴿وَ حَسَنٌ أَوْلَیْكَ رَفِیْقًا﴾ فهو المهدی علیه السلام فی زمانه ... القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ... المهدی علیه السلام فی زمانه ...

۲. و قد سنی یسنی سناء آی ارتفاع و السنی بالقصر: الضوء.

۳. سنا: سنّت النار تسنو سناء: علا ضوءها و السنا، مقصور: ضوء النار و البرق ... و سنا إلى معالی الأمور سناء: ارتفاع و سنو فی حسبه سناء، فهو سنی: ارتفاع و یقال: إن فلانا لسنی الحسب و قد سنو یسنو سناء، ممدود و السناء من الرفعة، ممدود و السنی: الرفیع و أسناه آی رفعه، ... و فی الحدیث: بشرأمتی بالسناء آی بارتفاع المنزلة و القدر عند الله و قد سنی یسنی سناء آی ارتفاع.

۴. و سنا إلى معالی الأمور سناء: ارتفاع و سنو فی حسبه، ککرم، سناء، فهو سنی: ارتفاع و سنی الشیء تسنیة: علاه و رکیه.

۵. ﴿وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیْفَةً﴾ (بقره: ۳۰)؛ ﴿أَمَّنْ یُجِیْبُ الْمُضْطَّرِّ إِذَا دَعَا وَ یَكْشِفُ الشُّوْءَ وَ یَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِیَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِیْلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ (نمل: ۶۲)؛ ﴿یَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِیْفَةً فِی الْأَرْضِ فَآخِذْكُمْ بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾ (ص: ۲۶).

۶. فاذا رأیتموه فتابعوه و لو حبا علی الثلج فانه خلیفة الله المهدی.

۷. فجعل الله القائم بالخلافة الحق عند شدة الحاجة إليها من ولده.

یجتمع عیسی و المهدی فیقوم عیسی بالشریعة و الامامیة و المهدی بالسیف و الخلافة (حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۸، ۳۸۴).

خلیفة رسول الله (همو: ج ۸، ۳۸۴ - ۳۸۵)،^۱ خاتم الخلافة المطلقة (همو)،^۲ ختم الولاية (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۴۰۸)^۳ و صاحب الولاية (همو: ج ۲، ۲۲۶-۲۲۷)^۴ بیان شده است. ابن کثیر نیز پس از بیان حدیث اثناعشر خلیفة، امام مهدی علیه السلام را در شمار خلفای دوازده گانه پیامبر صلی الله علیه و آله می شمرد (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۳، ۵۹).^۵

تعبیرهای دیگری نیز در تفاسیر هست که به نوعی می توان آن ها را به مقام خلافت و ولایت امام مهدی علیه السلام مربوط دانست؛ صفاتی مانند الامام (حقی بروسوی، بی تا: ج ۳، ۴۱۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۳۹۵)،^۶ القائم بالحق (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۷، ۲۱۸؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۷۰)، صاحب مجد الله (فنجوی، ۱۴۲۰: ج ۲، ۵۹۹)،^۷ الحاکم بشریعة النبی صلی الله علیه و آله (حقی بروسوی، بی تا: ج ۴، ۳۴۶)،^۸ قطب الاقطاب (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۲۰۰)،^۹ قطب بالاصالة (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۱۹۹-۲۰۰)،^{۱۰} قطب الوقت (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۲۲۶-۲۲۷)،^{۱۱} له مرتبة القطب (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۵۲).^{۱۲}

۱. و قد صح ان عیسی اقتدی بنینا لیلۃ المعراج ... فیجب ان یقتدی بخلیفته ایضا.
۲. فعیسی خاتم الولاية المطلقة كما ان المهدي خاتم الخلافة المطلقة.
۳. «عسی أن ینبئک ربک مقاماً مخموداً» ای فی مقام یجب علی کل حمده و هو مقام ختم الولاية المطلقة بظهور المهدي.
۴. فیتأخر الامام فیقدمه عیسی ... و الامام الذی یتأخر هو المهدي و انما یتأخر مع کونه قطب الوقت مراعاتاً لادب صاحب الولاية مع صاحب النبوة.
۵. و معنی هذا الحدیث البشارة بوجود اثنی عشر خلیفة صالحا یقیم الحق و یعدل فیهم و الظاهر أن منهم المهدي المبشر به فی الأحادیث الواردة بذكره.
۶. و المهدي الذی من عترة النبی امام عادل لیس بنبی موحی الیه (با ابن بیان که امام ولایت دارد).
۷. و الإمام المهدي لم یکن موجوداً حین النزول قطعاً بالإجماع فلا یمکن حمل الآیة علی وعده بذلك.
۸. إن حدوث التقاؤل بین الضعفاء و المستکبرین المشار الیه بقوله تعالی: «فَقَالَ الضَّعْفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا» إلخ فهو بوجود المهدي القائم بالحق الفارق بین أهل الجنة و النار عند قضاء الأمر الإلهی بنجاة السعداء و هلاك الأشقياء.
۹. فهو بوجود المهدي القائم بالحق الفارق بین الجنة و النار.
۱۰. و قوله و یشاهد مجد الله ای المهدي.
۱۱. و سیخرج فی امته مهدی یحکم بشریعته ... و اخرج الطبرانی انه صلی الله علیه و آله قال لفاطمة - رضی الله عنها - ... و مناسبتاً هذه الامة الحسن و الحسين و هما ابناک و منا المهدي.
۱۲. فی مکتوبات الإمام الفاروقی ... أن القطبية لم تكن علی سبیل الأصالة إلا الأئمة أهل البيت المشهورین ثم إنها صارت بعدهم لغيرهم علی سبیل النيابة عنهم ... و الذی یغلب علی ظنی أن القطب قد یكون من غیرهم لكن قطب الأقطاب لا یكون إلا منهم.
۱۳. و الذی یغلب علی ظنی أن القطب قد یكون من غیرهم لكن قطب الأقطاب لا یكون إلا منهم لأنهم أركی الناس أصلاً و أوفرهم فضلاً و أن من ینال هذه الرتبة منهم لا ینالها إلا علی سبیل الأصالة دون النيابة و الوكالة.
۱۴. و الامام الذی یتأخر هو المهدي و انما یتأخر مع کونه قطب الوقت مراعاتاً لادب ...
۱۵. فالخلافة الباطنة لب الخلافة الظاهرة، و بها یذب عن حقیقة الإسلام، و بالظاهرة یذب عن صورته، و هی مرتبة

۲. اقتدا و اطاعت

در بیشتر تفاسیر اهل سنت، مسئله نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به امام مهدی علیه السلام نقل شده است (همو: ج ۱۱، ۲۱۴، ج ۱۳، ۹۵). نکته مهم آن است که اقتدای مسیح علیه السلام به امام مهدی علیه السلام حکایت از فضل ایشان نسبت به همه حتی پیامبر اولوالعزم دارد و در روایت نبوی صلی الله علیه و آله نیز این اقتدای عیسی بن مریم علیها السلام به امام مهدی علیه السلام در شمار افتخارات مسلمانان شمرده شده است (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۴، ۱۰۱، ج ۱۶، ۱۰۶؛ سیوطی، بی تا: ج ۲، ۲۴۲؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ج ۴، ۷۹؛ دروزه، ۱۴۲۱: ج ۴، ۵۲۰؛ بغدادی، بی تا: ج ۱، ۲۵۲، ج ۴، ۱۱۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۴، ۱۶۷؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۲، قسم ۱، ۵۷، ج ۸، ۳۵۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۳، ۹۵).

در برخی تفاسیر نیز در ضمن صحبت از اصحاب امام مهدی علیه السلام مقاماتی را برای ایشان نقل می‌کنند یا از افرادی نام می‌برند که رهبری بر چنین افرادی و امیری بر چنین وزیرانی و اطاعت‌پذیری این بزرگان از امام مهدی علیه السلام گویای فضیلت امام مهدی علیه السلام و شاهد بر علو مقام و منزلت وی است. در تفاسیر اهل سنت، حضرت عیسی علیه السلام (حقی بروسوی، بی تا: ج ۳، ۴۱۶)، اصحاب کهف (سیوطی، بی تا: ج ۴، ۲۱۵؛ حقی بروسوی، بی تا: ج ۱، ۲۱۷، ج ۵، ۲۶۹، ۳۸۱، ج ۹، ۱۱۷)، روح حضرت علی علیه السلام (حقی بروسوی، بی تا: ج ۷، ۳۹۱)، روح دو نفر از کامل‌ترین ائمت اسلام (همو: ج ۹، ۱۱۷)^۳ و تمامی اهل صدق (همو: ۲۶۳) در شمار انصار و وزرای امام مهدی علیه السلام شمرده شده‌اند.

۳. عدالت

در تفاسیر اهل سنت، با توجه به احادیث، امام مهدی علیه السلام را امام عادل (همو: ج ۳، ۴۱۶) حکم عدل و حکم قسط (قماش، بی تا: ج ۲۵، ۱۹۶، ج ۲۶، ۲۶۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۳۵۲) لقب داده‌اند که حاکی از صفت والای عدالت در ایشان است.

همچنین احادیث «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً» نیز بر عدالت امام مهدی علیه السلام دلالت دارند (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴، ج ۳، ۳۱۲؛ سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۷ - ۵۸؛ قمی نیشابوری، ۱۴۱۶:

القطب فی کل عصر، و قد تجتمع مع الخلافة الظاهرة كما اجتمعت فی علی کرم الله تعالی وجهه أيام إمارته، و كما تجتمع فی المهدی أيام ظهوره، و هی و النبوة رضیعا ثدی.

۱. قد ذهب معظم أهل العلم إلى أنه حين ينزل یصلی وراء المهدی - رضی الله تعالی - عنه صلاة الفجر.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم.

۳. روحانیه شخصین من کمل هذه الأمة.

ج ۱، ۱۴۴؛ حقی بروسوی، بی تا: ج ۴، ۳۴۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۳۹۶؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۶، ۴۷ و (...); زیرا کسی که برای ریشه‌کنی ظلم در سراسر جهان می‌آید، باید خود امامی عادل و عدالت‌گستر باشد.

در بعضی از تفاسیر آمده است که امام مهدی علیه السلام به شریعت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکم می‌کند (حقی بروسوی، بی تا: ج ۴، ۳۴۶). شاید بتوان جمله «یحکم بشریعته» را نیز به نحوی به عدالت ایشان مربوط دانست؛ با این بیان که عمل بر طبق شریعت حقیقی و رعایت موازین شرعی در حاکمیت، در واقع همان اجرای عدالت است و جدای از آن نیست.

۴. علم

درباره علم امام مهدی علیه السلام در تفاسیر اهل سنت نکاتی وجود دارد: ابن عربی علم کتاب‌های جفر و جامعه را مخصوص امام مهدی علیه السلام می‌داند و می‌گوید: کسی غیر از ایشان محتوای آن‌ها را به حقیقت و واقعیت، درک نمی‌کند. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۱)

وی در جای دیگر نیز علم تأویل را مخصوص امام مهدی علیه السلام می‌داند و می‌گوید:

امام مهدی علیه السلام علم تأویل (قرآن یا حقایق) را در آخر الزمان خواهد آورد. (همو: ۳۲)

او در تفسیر آیه «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف: ۶۵) علم لدنی را تفسیر کرده است و می‌گوید:

این علم از طریق عملی و اکتسابی به دست نمی‌آید و تنها برای برخی از افراد مخصوص، چنین علمی حاصل خواهد شد و به عنوان نمونه نام امام مهدی علیه السلام را می‌برد. ^۱ (همو: ج ۳، ۲۰)

مصادق شناسی امام مهدی علیه السلام

۱. شبهه یکی بودن مهدی علیه السلام و عیسی بن مریم علیها السلام

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایتی با این مضمون در منابع نقل شده که مهدی ای غیر از عیسی بن مریم علیها السلام نیست (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱). ^۲

۱. و علمناه من لدنا علما... فاعطيناه هذا العلم الذي ظهر به و هو ما اعطاه من الفهم و هو مقام يحصل من وجهين وجه اختصاص كالخضر و امثاله من غير تعلم و كالقائم في اخر الزمان و وجه اخر من طريق التعمل.

۲. أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: لا يزداد الامر إلا أشدة و لا الدنيا إلا إديارا و لا الناس إلا شحا و لا تقوم الساعة إلا على شرار الناس و لا

این روایت دست‌آویز عده‌ای از منکران مهدویت قرار گرفته که این اصل اصیل اسلامی را انکار کنند یا در آن ایجاد شبهه نمایند.

برخی دیگر نیز یکی بودن حضرت عیسی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام را به عنوان یک احتمال پذیرفته و بر اساس آن روایت اقتدای عیسی بن مریم علیها السلام به امام جماعت مسلمانان را توجیه کرده‌اند. ابن عربی می‌نویسد:

اگر مهدی همان عیسی باشد، امام جماعت مسلمانان - که حاکم اسلامی و قائم به دین محمدی است - عقب می‌ایستد و عیسی را جلو می‌اندازد؛ زیرا می‌داند که عیسی در واقع دارای مرتبه قطبیت است. و اما این که عیسی که همان مهدی است امام مسلمانان را جلو می‌اندازد و به وی اقتدا می‌کند، به این دلیل است که مأمور به متابعت از شریعت اسلام و پیروی از امام مسلمین است.^۱ (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۲۲۶)

در دیگر سو، برخی از علمای رجال عامه و مفسران، این روایت را از جهت سندی رد کرده‌اند یا در صدد توجیه آن برآمده‌اند:

بحث سندی

در تفسیر قرطبی پس از توضیحاتی درباره سند روایت و تعارض آن با احادیث متواتر، تصریح شده است که این حدیث صحیح نیست (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۱۲۱-۱۲۲).^۲ در منابع رجال اهل سنت نیز پس از نقل این حدیث به ضعف سند آن و تعارضش با احادیث متواتر اشاره می‌کنند (المزی، ۱۴۱۳: ج ۲۵، ۱۴۹)^۳ و برخی دیگر، راوی آن را منکر الحدیث (ذهبی، بی‌تا:

المهدی إلا عیسی بن مریم.

۱. و تأخر الامام إشارة إلى شعور القائم بالدين المحمدي ﷺ في وقته بتقدمه على الكل في الرتبة لمكان قطبيته و تقديم عیسی ﷺ اياه و اقتداؤه به على الشريعة المحمدية ﷺ إشارة إلى متابعتة للملة المصطفوية و عدم تغييره للشرائع و إن كان يعلمهم التوحيد العيانى و يعرفهم أحوال القيامة الكبرى و طلوع الوجه الباقي، هذا إذا كان المهدى عیسی بن مریم علی ما روى في الحديث لا مهدى إلا عیسی ابن مریم.

۲. و قيل: المهدى هو عیسی فقط و هو غير صحيح لان الاخبار الصحاح قد تواترت على أن المهدى من عتره رسول الله ﷺ فلا يجوز حمله على عیسی و الحديث الذى ورد فى أنه (لا مهدى إلا عیسی) غير صحيح. قال البيهقى فى كتاب البعث والنشور: لان راويه محمد بن خالد الجندى و هو مجهول، يروى عن أبان بن أبى عیاش و هو متروك عن الحسن عن النبى ﷺ و هو منقطع و الأحاديث التى قبله فى التنصيص على خروج المهدى و فيها بيان كون المهدى من عتره رسول الله ﷺ أصح إسنادا.

۳. فقال لى: من محمد بن خالد الجندى؟ فقلت: لا أدرى. فقال لى: هذا مؤذن الجند وهو ثقة. فقلت له: أنت يحيى بن معين؟ فقال: نعم... وكان فيه تساهل. قال أبو الحسن الأبرى: قد تواترت الاخبار استفاضت بكثره رواياتها عن المصطفى ﷺ يعنى فى المهدى، وأنه من أهل بيته، وأنه يملك... و محمد بن خالد الجندى وإن كان يذكر عن

ج ۳، ۵۳۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۰، ۶۷) ^۲ و مجهول (ذهبی، بی تا: ج ۳، ۵۳۵؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ج ۲، ۷۱) ^۴ و خود روایت را از احادیث منکر و ناشناخته می‌شمرند (ذهبی، بی تا: ج ۳، ۵۳۵؛ ^۵ همو، ۱۴۱۳: ج ۱۰، ۶۷). ^۶ حتی کسی مانند ابن خلدون - که در صحت احادیث مهدویت تشکیک می‌کند - زیر بار این روایت نرفته، درصدد تضعیف آن برمی‌آید (ابن خلدون، بی تا: ج ۱، ۳۲۲) ^۷ و توجیهی برای حدیث نقل کرده و رد می‌کند (همو). ^۸

عبدالعظیم بستوی نیز بعد از نقل ۱۵ سند برای این روایت در پایان نتیجه می‌گیرد که اسناد حدیث ضعیف است و مورد قبول نیست (بستوی، ۱۴۲۰: ۹۴ - ۱۰۴). این روایت با فرض این که سند خوبی هم داشته باشد - که بنا بر تصریح بستوی و قرطبی و دیگران ندارد - باز هم قابل معارضه با سایر روایات نیست؛ زیرا روایاتی که می‌گویند مهدی علیه السلام از عترت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، به حد تواتر نقل شده‌اند. همچنین روایات بسیاری که بیان‌گر اقتدای عیسی بن مریم علیه السلام به امام مهدی علیه السلام در نماز جماعت در آخر الزمان اند و روایاتی که امام مهدی علیه السلام را در کنار حضرت عیسی علیه السلام از اشراط الساعة برمی‌شمارند، همگی دلالت دارند که امام مهدی علیه السلام متفاوت از عیسی بن مریم علیه السلام است.

بحث دلالی

در دلالت روایت نیز دو مناقشه قابل طرح است:

۱. صدر و ذیل این روایت پایان جهان و عاقبت بشر را تیره و تار معرفی می‌کند و می‌گوید: هرچه می‌گذرد بر سختی و شدت کارها اضافه می‌شود؛ دنیا رو به پشت کردن و تباهی است و مردم به سبب حرص و طمع رو به فساد هستند؛ قیامت در حالی برپا می‌شود که بدترین مردم روی کره زمین زندگی می‌کنند و مهدی ای به جز عیسی بن مریم علیه السلام وجود

یحیی بن معین ما ذکرته فانه غیر معروف عند أهل الصناعة من أهل العلم والنقل.

۱. محمد بن خالد [ق] الجندی. عن أبان بن صالح. روی عنه الشافعی. قال الأزدي: منکر الحدیث.

۲. بل أخبره به مخبر مجهول لیس بمعتمد.

۳. محمد بن خالد [ق] الجندی ... وقال عبد الله الحاكم: مجهول.

۴. محمد بن خالد الجندی بفتح الجیم والنون المؤذن مجهول.

۵. محمد بن خالد [ق] الجندی ... قلت: حدیثه لا مهدی إلا عیسی ابن مریم، وهو خبر منکر أخرجه ابن ماجه.

۶. وهو خبر منکر ... بل أخبره به مخبر مجهول لیس بمعتمد.

۷. وبالجملة فالحدیث ضعیف مضطرب.

۸. وقد قيل أن لا مهدی إلا عیسی أی لا يتكلم فی المهدي إلا عیسی يحاولون بهذا التأویل رد الاحتجاج به أو الجمع بينه

وبين الأحادیث وهو مدفوع بحدیث جریح ومثله من الخوارق.

ندارد.^۱ تعبیر «لا یزداد الأمر الا شدة» به این معناست که همواره کارها رو به سختی و شدت است. این عبارت هیچ نقطه روشنی را تا هنگامه شروع قیامت برای بشر ترسیم نمی‌کند و عبارت «لا مهدی الا عیسی بن مریم» نیز در صدد باطل کردن روح مهدی باوری است. این روایت با تاریک نشان دادن آینده، روح ناامیدی را به جامعه القا می‌کند؛ در حالی که آیات قرآن و روایات، نویددهنده آینده‌ای روشن برای بشر هستند و حکومت پایانی را مختص مستضعفان و مؤمنان می‌دانند. از این رو محتوای روایت یادشده با روح حاکم بر معارف دین سازگاری ندارد.

۲. در برخی تفاسیر در توجیه دلالت روایت گفته‌اند که «لا مهدی الا عیسی بن مریم» یعنی جز عیسی بن مریم علیه السلام کسی هم صحبت با امام مهدی علیه السلام نیست و ایشان برای نصرت و مصاحبت با امام مهدی علیه السلام بر زمین نازل می‌شود (حقی بروسوی، بی تا؛ ج ۳، ۴۱۶).^۲ اگرچه این توجیه با ظاهر روایت سازگاری ندارد، اما همسو با روایات متعددی است که می‌گوید: مردم در نماز جماعت هستند که عیسی علیه السلام نازل می‌شود و امام مهدی علیه السلام او را جلو می‌اندازد که مردم به او اقتدا کنند. آن‌گاه عیسی علیه السلام نمی‌پذیرد و به امام مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند. همچنین روایاتی که می‌گویند: عیسی علیه السلام نازل می‌شود و دجال را می‌کشد سازگار است. با توجه به این دو گروه از روایات - که بیان‌گر تأیید و نصرت امام مهدی علیه السلام توسط عیسی علیه السلام هستند - این توجیه، پذیرفتنی خواهد بود.

۲. بحث تولّد یا عدم تولّد

در تفاسیر اهل سنت به این که امام مهدی علیه السلام متولّد شده، یا در آخر الزّمان متولّد خواهد شد، اشاره‌ای مستقیم نشده است؛ اما با توجه به موضع‌گیری برخی از آنان در مقابل عقاید شیعه درباره غیبت امام و ظهور ایشان در آخر الزمان و سایر مسائل مربوط به آن - که در مقاله‌ای مستقل با موضوع «مفسران اهل سنت؛ اثبات یا انکار مهدویت» (خسروپناه و ورمریاری، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۳۸) به آن پرداخته شد - می‌توان نتیجه گرفت که مفسران اهل سنت نیز مانند عموم علمای این مذهب، به متولّد نشدن امام مهدی علیه السلام باور دارند. با این حال، در برخی از تفاسیر،

۱. أن رسول الله ﷺ قال لا یزداد الأمر إلا شدة و لا دنیا إلا إیدبارا و لا الناس إلا شحا و لا تقوم الساعة إلا علی شرار الناس و لا المهدی إلا عیسی بن مریم.

۲. و فی الحدیث (... لا مهدی إلا عیسی بن مریم) و معناه لا یكون أحد صاحب المهدی علیه السلام إلا عیسی بن مریم فإنه ینزل لنصرتة و صحبتة.

تعبیری مانند انسان کامل حاضر در هر زمان، به چشم می‌خورد که بیان‌گر تولد و وجود امام مهدی علیه السلام است؛ اگر چه آنان خوش نداشته باشند نام امام مهدی علیه السلام را بر این انسان کامل بگذارند:

۱. آلوسی در تفسیر کلمه خلیفه در آیه **﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾** (بقره: ۳۰) می‌گوید:

نزد اهل الله، خلیفه الهی، حضرت آدم است و این خلافت الهی در انسان کامل تا قیامت ادامه خواهد داشت و اگر این انسان کامل از دنیا برود، عالم از بین می‌رود؛ چون وی روح این عالم است و قوام عالم به اوست... افراد زیادی با این عقیده مخالف‌اند و خداوند کمک‌کار ما خواهد بود.^۱ (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۲۲۲-۲۲۳)

۲. حقی نیز در دو جا از تفسیر خود، انسان کامل زنده در هر زمان را دارنده اسم اعظم الهی (حقی بروسوی، بی تا: ج ۱، ۸)^۲ و مصداق آن (همو: ج ۵، ۳۱۵)^۳ می‌داند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی مطالب مربوط به شخصیت‌شناسی امام مهدی علیه السلام در تفاسیر اهل سنت نتایج زیر به دست آمده است:

۱. و عند اهل الله تعالی المراد بالخلیفة آدم و هو علیه السلام خلیفة الله تعالی و أبو الخلفاء و المجلی له سبحانه و تعالی، و الجامع لصفی جماله و جلاله، و لهذا جمعت له الیدان و کلثهما یمین، و لیس فی الموجودات من وسع الحق سواه، و من هنا قال الخلیفة الأعظم علیه السلام «إن الله تعالی خلق آدم علی صورته أو - علی - صورة الرحمن» و به جمعت الأضداد و کملت النشأة و ظهر الحق، و لم تنزل تلك الخلافة فی الإنسان الكامل إلى قیام الساعة و ساعة القیام، بل متى فارق هذا الإنسان العالم مات العالم لأنه الروح الذی به قوامه، فهو العماد المعنوی للسماء، و الدار الدنیا جارحة من جوارح جسد العالم الذی الإنسان روحه. و لما كان هذا الاسم الجامع قابل الحضرتین بذاته صحت له الخلافة و تدبیر العالم و الله سبحانه الفعال لما یرید، و لا فاعل علی الحقيقة سواه و فی المقام ضیق، و المنکرون کثیرون و لا مستعان إلا بالله عز و جل.

۲. قال الشیخ مؤید الدین الجندی رحمته الله ان للاسم الأعظم الذی اشتهر ذکره و طاب خبره و وجب طبه و حرم نشره من عالم الحقائق و المعانی حقیقة و معنی و من عالم الصور و الألفاظ صورة و لفظا اما حقیقته فهي احدیة جمع جمیع الحقائق الجمعیة الکمالیة کلها و اما معناه فهو الإنسان الكامل فی کل عصر و هو قطب الاقطاب حامل الامانة الإلهیة خلیفة الله و اما صورته فهي صورة کامل ذلك العصر و علمه كان محرما علی سائر الأمم لما لم تكن الحقیقة الانسانیة ظهرت بعد فی أكمل صورته بل كانت فی ظهورها بحسب قابلیة کامل ذلك العصر فحسب فلما وجد معنی الاسم الأعظم و صورته بوجود الرسول صلی الله علیه و آله و سلم أباح الله العلم به کرامة له الرّحمن الرحمة فی اللغة رقة القلب و الانعطاف و منه الرحم لانعطافها علی ما فیها.

۳. ألا ترى ان الله تعالی خلق العوالم و بث فیها أسماءه الحسنی و جعل الإنسان الكامل فی کل عصر مجلی أنواره و مظهر أسراره فمن أراد الوصول الى الله تعالی فلیصل الى الإنسان الكامل فعلیک بطلب خیر الاول لیحیی به ذکرك الی یوم التناد و من الله رب العباد فیض و الامداد و التوفیق.

۱. مشهور مفسران عامه بر این باورند که نام امام مهدی علیه السلام «محمد» و از نسل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است و روایاتی که ایشان را از نسل عباس بن عبدالمطلب می دانند، از جهت سندی قابل پذیرش نیستند و با چشم پوشی از اشکال سندی، در تعارض با سایر روایات توان مقاومت ندارد.

۲. در تفاسیر اهل سنت، برای امام مهدی علیه السلام جایگاهی ویژه ترسیم شده است و با تعبیر گوناگونی به مقام خلیفه اللهی، علمی و عدالت آن حضرت اشاره کرده اند.

۳. در شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام مشخص شد، مهدی علیه السلام غیر از عیسی علیه السلام است و کلام «لا مهدی الا عیسی بن مریم علیها السلام» حرفی بی اساس به شمار می رود.

۴. بیشتر مفسران عامه هماهنگ با مشهور اهل سنت، به تولد امام مهدی علیه السلام اشاره ای نکرده اند یا درباره نظریه تولد، موضع گرفته اند، اما باز از لابه لای تفاسیرشان می توان مؤیداتی را برای بحث تولد آن حضرت و حیات ایشان پیدا کرد.

منابع

- أوسى بغدادى، شهاب الدين محمود (١٤١٥ق)، *روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم وسبع المثانى*، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ابن اثير (١٣٦٤ش)، *النهاية فى غريب الحديث*، تحقيق: طاهر أحمد الزاوى و محمود محمد الطناحى، قم، اسماعيليان، چاپ چهارم.
- ابن حجر، شهاب الدين ابوالفضل (١٤١٥ق)، *تقريب التهذيب*، دراسة و تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ دوم.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بى تا)، *مسند احمد*، بيروت، دار صادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (بى تا)، *تاريخ ابن خلدون*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ چهارم.
- ابن عربى، محيى الدين ابوبكر محمد بن عبدالله (١٤٢١ق)، *رحمة من الرحمن فى تفسير و اشارات القرآن من كلام الشيخ الاكبر محيى الدين بن عربى*، جمع و تأليف: محمود محمود الغراب، دمشق، مطبعة نضر، چاپ دوم.
- _____ (١٤٢٢ق)، *تفسير منسوب به ابن عربى*، تصحيح: عبدالوارث محمد على، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول.
- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل (١٤١٢ق)، *تفسير القرآن العظيم*، تحقيق: يوسف عبدالرحمن مرعشلى، بيروت، دار المعرفة.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينى (بى تا)، *السنن*، تحقيق و ترقيم و تعليق: محمد فؤاد عبدالباقى، بى جا، دارالفكر.
- ابن منظور، محمد بن المكرم (١٤٠٥ق)، *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه.
- اصفهانى، ابو الفرج (١٣٨٥ش)، *مقاتل الطالبين*، قم، دار الكتاب، چاپ دوم.
- بخارى، ابى عبدالله محمد بن اسماعيل (١٤٠١ق)، *صحيح بخارى*، استانبول، دارالفكر.
- بستوى، عبد العليم عبد العظيم (١٤٢٠ق)، *الموسوعة فى احاديث المهدي الضعيفة والموضوعة*، بيروت، دار ابن حزم، اول.
- بغدادى، علاء الدين أبوالحسن على بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشىحى (بى تا)، *لباب التأويل فى معانى التنزيل (تفسير الخازن)*، بى جا، بى نا.

- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *معالم التنزیل فی التفسیر*، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق: ابن عاشور، بیروت، داراحیاء التراث العربی، اول.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد نیشابوری (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت علیهم السلام*، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران، نشر وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- حاکم نیشابوری، ابی عبدالله محمد بن عبدالله بن حمدویه (بی تا)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالمعرفة.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، *روح البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالفکر.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ق)، *الاساس فی التفسیر*، قاهرة، دارالسلام، چاپ ششم.
- دروزه، محمد عزة بن عبدالهادی (۱۴۲۱ق)، *التفسیر الحدیث*، بیروت، دارالغرب الاسلامی، چاپ دوم.
- ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۳ق)، *سیر اعلام النبلاء*، إشراف و تخریج: شعیب الأرناؤوط، تحقیق: محمد نعیم العرقسوسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ نهم.
- _____ (بی تا)، *میزان الاعتدال*، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر.
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۱ق)، *مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)*، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا (۱۹۹۰م)، *تفسیر القرآن الکریم (المنار)*، مصر، الهيئة المصریة العامة للکتاب.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی شبری، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
- سجستانی، ابی داود بن أشعث (۱۴۱۰ق)، *سنن أبی داود*، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰ش)، *تفسیر سورآبادی*، تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول.

- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (بی‌تا)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دارالفکر.
- طبرانی، *المعجم الاوسط*، قسم التحقیق بدار الحرمین، دارالحرمین للطباعة و النشر، بی‌جا، ۱۴۱۵ق.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، *مجمع البحرین*، تحقیق: سید احمد حسینی، ایران، مکتب النشر الثقافة الإسلامية، چاپ دوم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، *الجامع لأحكام القرآن*، تصحیح: احمد عبد العلیم البردونی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- قماش، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالحمید (بی‌تا)، *جامع لطائف التفسیر*، بی‌جا، بی‌نا.
- قمی نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد بن حسین (۱۴۱۶ق)، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- قنوجی بخاری، ابی الطیب صدیق بن حسن (صدیق حسن خان) (۱۴۲۰ق)، *فتح البیان فی مقاصد آی القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- المزی، جمال‌الدین (۱۴۱۳ق)، *تهذیب الکمال*، تحقیق و ضبط و تعلیق: الدكتور بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول.
- مظهری، محمد ثناء الله (۱۴۱۲ق)، *تفسیر المظهری*، تحقیق: غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبه رشدیة.
- ملاحویش، عبدالقادر آل غازی (۱۳۸۲ق)، *بیان المعانی علی مسب ترتیب النزول*، دمشق، مطبعة الترقی، چاپ اول.
- نسفی، ابو حفص نجم‌الدین محمد عبدالله ابن احمد (۱۳۶۷ش)، *تفسیر نسفی*، تهران، انتشارات سروش، چاپ سوم.
- نیشابوری، ابی‌الحسین مسلم بن الحجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ ورمزیار، مصطفی (زمستان ۱۳۹۲ش)، «مفسران اهل سنت اثبات یا انکار مهدویت»، فصل‌نامه علمی - ترویجی *پژوهش‌های مهدوی*، سال دوم، شماره ۷، قم، مؤسسه آینده روشن.